

Past Perfect Tense

زمان گذشته کامل

فاعل + had + P.P.

I had eaten lunch.

He hadn't answered the questions.

زمان گذشته کامل همان ماضی بعید فارسی خودمان است. هر وقت بخواهیم بگوییم کاری در گذشته قبل از کار دیگری انجام شده بوده است، از این زمان استفاده می‌کنیم. مثلاً، شما قبل از این که به مدرسه بیایید صبحانه‌تان را **خورده بودید**. خوب، کدام عمل گذشته‌تر است؟ همان را با زمان گذشته کامل بیان می‌کنیم.

قبل از این که به مدرسه بیایید، صبحانه‌تان را **خورده بودید**.
 You **had eaten** your breakfast before you **came** to school.

زمان گذشته کامل برای هویت خودش نیاز به زمان گذشته ساده دارد تا بگوید که من در گذشته تر اتفاق افتادم. بنابراین، این دو زمان معمولاً با هم به کار می‌روند. به مثال‌های زیر و کلمات ربطی (before, after, because, when, by the time, as soon as) که این دو زمان را به هم وصل می‌کنند دقت کنید.

قبل از این که شما به رم بروید ایتالیایی خوانده بودید.
 You **had studied** Italian before you **moved** to Rome.

After I **had washed** and **dried** the last plate, Paul **came** in and **offered** to help.

بعد از این که آخرین ظرف را شسته بودم و خشک کرده بودم، پل آمد و پیشنهاد کمک کرد.

They **lost** many of the games because they **had not practiced** enough.

آن‌ها بازی‌های زیادی را بافتند چون به اندازه کافی تمرین نکرده بودند.

When I **arrived** at the party, my grandfather **had already gone** home.

وقتی به مهمانی رسیدم، پدربزرگم قبلش به خانه رفته بود.

The plane **had left** by the time I **got** to the airport.

قبل از این که به فرودگاه برسم، هواپیما رفته بود.

گاهی خبری از کلمه ربط در جمله نیست. شما باید با توجه به معنی و مفهوم جملات به این نتیجه برسید که عملی قبل از عمل دیگری در گذشته اتفاق افتاده است. به مثال‌های زیر دقت کنید.

I went to Paris last spring for a job interview; I **hadn't been** there for five years.

بهار گذشته برای یک مصاحبه شغلی به پاریس رفتم؛ پنج سال بود که آن‌جا نرفته بودم.

We began to tell one another everything that **had happened** to us in the past five years.

ما برای یکدیگر شروع کردیم به گفتن هر چیزی که در پنج سال گذشته برای ما اتفاق افتاده بود.

You said you **had bought** this dress in Italy.

شما گفتید که این لباس را در ایتالیا خریده بودید.

I got a letter from Jim last week. We'd **been** at school together but we'd **lost** touch with each other.

هفته پیش، یک نامه از جیم دریافت کردم. ما هم‌کلاسی بودیم، اما با هم در ارتباط نبودیم.

Nader became angry, and I wondered if I **had said** something to offend him.

نادر عصبانی شد، و نمی‌دانستم که آیا چیزی گفته بودم که او را ناراحت کرده باشم.

His father was a composer and his grandfather **had also been** a musician.

پدرش یک آهنگ‌ساز بود و پدربزرگش هم یک موسیقی‌دان بوده است.



Past Perfect Continuous Tense

فعل + ing + been + had + فاعل

زمان گذشته کامل استمراری

I had been working.

Where had she been staying?

این زمان بیان کننده عملی است که در گذشته قبل از یک زمان گذشته ساده به صورت استمراری در حال انجام بوده است.

وقتی شما رسیدید، داشتم به مدت دو ساعت کتاب می خواندم.
When you arrived, I had been reading a book for two hours.

پیش دکتر رفتم چون بد می خوابیدم.
I went to the doctor because I had been sleeping badly.

At that time we had been living in the caravan for about six months.

در آن زمان به مدت حدود شش ماه در کاروان زندگی می کردیم.

این زمان باید حتماً با زمان گذشته همراه باشد، و در بسیاری از مواقع با for و طول زمان همراه است.

وقتی صحبت از تعداد دفعات انجام کاری است، از زمان گذشته کامل استمراری استفاده نکنید.

I didn't go to the movies with Alex because I had already seen it three times. (NOT ... ~~I had already been seeing it three times.~~)

من با الکس به سینما نرفتم چون قبلاً سه بار آن فیلم را دیده بودم.

تفاوت زمان گذشته کامل و گذشته کامل استمراری

۱ شکل استمراری عمدتاً برای صحبت کردن درباره کارها یا موقعیت های موقتی تر استفاده می شود، و زمانی که بخواهیم درباره موقعیت های طولانی حرف بزنیم از گذشته کامل استفاده می کنیم.

پاهایم خشک بود چون برای مدتی طولانی سر پا بودم.
My legs were stiff because I had been standing for a long time.

درختی که باد آن را انداخت به مدت ۳۰۰ سال پابرجا بود.
The tree that blew down had stood there for 300 years.

۲ از گذشته کامل استمراری معمولاً برای تأکید کردن روی استمرار یک عمل در گذشته استفاده می شود، اما زمان گذشته کامل برای صحبت کردن درباره یک عمل انجام شده به کار می رود.

I had been reading science fiction, and my mind was full of strange images.

داستان علمی - تخیلی می خواندم، و ذهنم پر از تصاویر عجیب بود.

I had read all my magazines, and was beginning to get bored.

همه مهلاتم را خوانده بودم، و کم کم داشتم حوصله ام سر می رفت.

۳ زمان گذشته کامل استمراری با افعال حالت (state verbs) به کار نمی رود.

I hadn't known her for very long when we got married. (NOT ~~I hadn't been knowing~~ ...)

وقتی ازدواج کردیم زمان خیلی زیادی نبود که او را می شناختم.



از **was/were going to** برای صحبت کردن درباره برنامه‌هایی استفاده می‌کنیم که در گذشته قصد انجامشان را داشتیم، ولی انجام نشدند یا در آینده هم انجام نخواهند شد.

I was going to visit my aunt when I went to England, but she had gone to Spain for the summer.

من قصد داشتم وقتی به انگلستان می‌روم عمه‌ام را ببینم، اما او برای تابستان به اسپانیا رفته بود.

Future Continuous Tense

زمان آینده استمراری **will / shall + be + فعل + ing** **فعل + فعل + will / shall + be + فعل + ing**

I will be studying.

Will he be studying?

کلید ۱ زمان آینده استمراری توصیف‌کننده عملی است که در زمان خاصی در آینده به صورت مستمر انجام خواهد شد، یا در یک دوره زمانی در آینده رخ می‌دهد.

آیا شما ماه آینده این موقع در این‌جا کار خواهید کرد؟ **Will you be working here at this time next month?**

Don't call my roommate tonight **between seven and eleven**. He will be studying for a test in reading.

امشب بین ساعت هفت و یازده به هم‌اتاقی‌ام زنگ نزن. او برای آزمونی درباره مهارت خواندن در حال مطالعه خواهد بود.

By the year 2028 it is estimated that well over one billion people will be learning English.

تخمین زده شده است که تا سال ۲۰۲۸، احتمالاً بیش از یک میلیارد نفر مشغول یادگیری انگلیسی خواهند بود.

Good luck with the exam. We'll be thinking of you.

برای امتحان آرزوی موفقیت می‌کنیم. به یادت خواهیم بود.

We will be working in the factory **all day tomorrow**.

فردا تمام روز مشغول کار در کارخانه خواهیم بود.

کلید ۲ از این زمان برای صحبت کردن درباره عملی استفاده می‌شود که از قبل برنامه‌ریزی شده و انتظار می‌رود که در دوره زمانی خاصی در آینده انجام شود.

Professor Baxter will be giving another lecture on Roman glass-making **at the same time next week**.

پرفسور بکستر همین موقع هفته آینده سخنرانی دیگری درباره شیشه‌سازی رومی‌ها خواهد کرد.

I'll be seeing you **one of these days**, I expect.

انتظار دارم یکی از همین روزها ببینمت.

کلید ۳ این زمان هم‌چنین بیانگر عملی است که در یک دوره نامحدود در زمان آینده به وقوع می‌پیوندد.

When we reach London, it will probably be raining.

وقتی به لندن برسیم، احتمالاً هوا بارانی خواهد بود.

کلید ۴ حرف شرط **if** اگر همراه با یک قید زمان آینده مشخص باشد.

If you come at 9 o'clock, we shall be having dinner.

اگر ساعت ۹ بیایی، شام خواهیم خورد.



25. Man's use of picture to tell stories and to record experiences in prehistoric times, when he drew on the walls of caves.

- 1) had begun 2) was beginning 3) had been beginning 4) began

26. We're looking after our neighbour's dog as well as our own and it two kilos of meat a day, so I dog meat in bulk these days.

- 1) is eating/ have bought 2) ate/ had bought
3) eats/ am buying 4) will have eaten/ will have bought

27. The weather conditions have been improving throughout the day and now the ground officials are confident that the championship game ahead.

- 1) will go 2) has gone 3) will have gone 4) will be going

28. About a month ago, I requested a brochure about your hotel, but I it yet.

- 1) didn't receive 2) haven't received 3) don't receive 4) am not receiving

29. The steel mill in Youngstown steel since 1804 when it closed down in 1980s.

- 1) has been making 2) was making 3) had been making 4) made

30. In the year 2045, it 500 years since that memorable voyage ended.

- 1) has been 2) had been 3) will be 4) will have been

31. No one has seen Fred he decided rather foolishly to go sailing in the hurricane.

- 1) when 2) since 3) by the time 4) before

32. I expect Anna will be tired when she arrives. She for over 20 hours.

- 1) will travel 2) will have been travelling
3) will be travelling 4) has been travelling

33. Why did you disagree with me at the meeting? to make me look incompetent?

- 1) Were you trying 2) Did you try 3) Have you tried 4) Had you tried

34. You for an hour by the time you reach your grandmother's place.

- 1) will have driving 2) have been driving 3) will have been driving 4) will have driven

35. Please keep quiet! I'm listening to the radio. You know I to the news in the mornings.

- 1) listen 2) am listening 3) have listened 4) will listen

36. So far I've only written half of the report, but I all of it by Saturday.

- 1) have finished 2) will be finishing 3) finished 4) will have finished

37. While I for my aunt outside the shop, someone grabbed my purse.

- 1) waited 2) had been waiting 3) was waiting 4) have been waiting

38. As soon as I paid, I will take you all out for a meal.

- 1) get 2) will get 3) have got 4) am getting

39. She says that she the eight o'clock train tomorrow, but I'm sure she it, as usual.

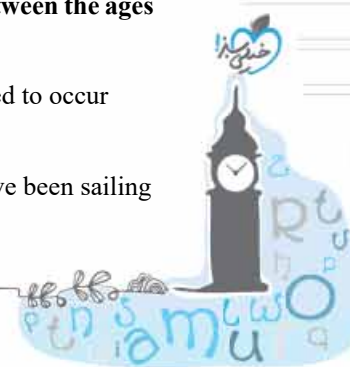
- 1) is catching/ is missing 2) is going to catch/ will miss
3) will have caught/ has missed 4) has caught/ misses

40. Adolescence, the process of changing from a child into an adult, usually sometime between the ages of 11 and 14 and continues for approximately six to ten years.

- 1) has occurred 2) will occur 3) occurs 4) was used to occur

41. When they arrive in Sydney Harbour, they non-stop for three months.

- 1) sailed 2) have been sailing 3) have sailed 4) will have been sailing



284. It is such a pity that Vicki and Dave can't meet us at the restaurant for lunch because Vicki has the flu.

I was looking forward to it, and were you, weren't you?

- 1) so 2) either 3) too 4) neither

285. James was disappointed when they didn't win, and I was

- 1) neither 2) too 3) so 4) either

286. A: Are we in Houston now?

B: I'm tired of sitting on this bus.

A: Me too. Look! the sign says Houston Central Bus Station.

- 1) So is it 2) Neither we are 3) I hope so 4) So we are

بخش نهم وجه وصفی ساده و کامل Participle and Perfect Phrases

۱- جمله وصفی ساده:

زمانی از وجه وصفی ساده استفاده می‌کنیم که دو جمله، رابطه علت و معلولی داشته باشند یا یکی از جملات بخواهد جزئیات توصیفی بیشتری را به جمله دیگر اضافه کند، ضمن این‌که تقدم و تأخر زمانی هم نداشته باشند و فاعلشان هم یکسان باشد. برای ادغام این نوع جملات، این کار را انجام می‌دهیم: فاعل جمله‌ای که دلیل یا توصیف جمله دوم است را حذف می‌کنیم و فعل آن را به صورت اسم مصدر (ing) می‌نویسیم. اگر وجه وصفی در اول بیاید، بین دو بخش از کما استفاده کنیم. و اگر در وسط یا آخر جمله بیاید، کما حذف می‌شود. حتی می‌توانیم قبل از وجه وصفی از while و when هم استفاده کنیم. به شکل‌های مختلف وجه وصفی ساده دقت کنید:

She was listening to music. She did her homework.

- Listening to music, she did her homework.
- She did her homework listening to music.
- While / When listening to music, she did her homework.

وقتی در حال گوش دادن به آهنگ بود، تکالیفش را انجام داد. She did her homework while / when listening to music.

He was driving fast. He lost control of the car.

- Driving fast, he lost control of the car.
- He lost control of the car driving fast.
- While / When driving fast, he lost control of the car.

وقتی داشت تند رانندگی می‌کرد، کنترل ماشین را از دست داد. He lost control of the car while / when driving fast.

They were playing soccer. They broke the window.

- Playing soccer, they broke the window.
- They broke the window playing soccer.
- While / When playing soccer, they broke the window.

وقتی داشتند فوتبال بازی می‌کردند، شیشه را شکستند. They broke the window while / when playing soccer.



Grammar

I didn't know his telephone number. I wasn't able to contact him.

→ Not knowing his telephone number, I wasn't able to contact him.

چون شماره تلفن او را نمی دانستم، نتوانستم با او تماس بگیرم.

I didn't know the language. I found it difficult to understand the movie.

→ Not knowing the language, I found it difficult to understand the movie.

چون آن زبان را بلد نبودم، درک فیلم برایم سخت بود.

اگر جمله، مجهول باشد، برای تبدیل به وجه وصفی از "being + p.p." استفاده می کنیم. البته گاهی being می تواند حذف شود.

The school was damaged by the flood. It had to be rebuilt.

→ (Being) damaged by the flood, the school had to be rebuilt.

گاهی هم وجه وصفی یک ضرب با صفت شروع می شود:

The kids were hungry after school. They decided to switch to eating fruits instead of chips to be healthier.

→ Hungry after school, the kids decided to switch to eating fruits instead of chips to be healthier.

بچه ها که بعد از مدرسه گرسنه شده بودند، برای این که سالم تر باشند تصمیم گرفتند به جای چیپس، میوه بخورند.

The girl was tired of walking, so she decided to ride her bike.

→ Tired of walking, the girl decided to ride her bike.

آن دختر که از قدم زدن خسته شده بود، تصمیم گرفت سوار دوپدش اش شود.

وجه وصفی ساده را می توان بعد از کلمات ربط و حروف اضافه هم آورد.

Instead of complaining about it, they should try doing something positive.

آن ها به جای گلّه و شکایت کردن درباره آن، باید سعی کنند کار مثبتی انجام دهند.

On arriving at the hotel, he went to get changed.

While packing her things, she thought about the last two years.

وقتی داشت وسایلش را جمع می کرد، به دو سال اخیر فکر می کرد.

In spite of having read the instructions twice, I still couldn't understand how to use it.

علی رغم این که دو بار دستورالعمل ها را خواندم، هنوز نمی توانستم نحوه استفاده از آن را بفهمم.

۲- عبارات وصفی کامل

وقتی بخواهیم رابطه زمانی دو جمله را نشان دهیم، برای ادغام کردن آن ها، فعل جمله ای که از لحاظ زمانی قبل تر اتفاق افتاده است را به "having + P.P." تبدیل می کنیم. در این جا نیز باید فاعل دو جمله یکسان باشد تا بتوانیم از وجه وصفی کامل استفاده کنیم.

She locked the door and then left the house.

Having locked the door, she left the house.

He finished his drink and then ordered another one.

Having finished his drink, he ordered another one.

They watched the movie and then discussed it for an hour.

Having watched the movie, they discussed it for an hour

آن ها بعد از این که فیلم را تماشا کردند، به مدت یک ساعت درباره آن بحث کردند.



301. national fame, the union leader had been an electrician in a small town.

- 1) Before gaining 2) Having gained 3) Before gained 4) Gaining

302. Having taken the key out of my pocket,

- 1) the door opened 2) the key fell off on the ground
3) I found that I had brought the wrong key 4) the light went off

303. by his children that it was a good idea, Peter bought a puppy for them last weekend.

- 1) Having been persuaded 2) Having persuaded 3) Persuading 4) To persuade

304. goodbye to his brother, David watched the train pull out the station.

- 1) To wave 2) Waving 3) To have waved 4) Being waved

305. to represent the university during the inter-university challenge, the four students were chosen yesterday.

- 1) To trust 2) Having trusted 3) Were being trusted 4) Being trusted

306. Marcus, his law degree a few weeks ago, is now thinking of specializing in criminal law.

- 1) having obtained 2) was obtaining 3) obtaining 4) being obtained

307. it to be certain that the horse was a winner, the man bet his entire wages on it.

- 1) To have believed 2) To believe 3) Believing 4) Being believed

308. for more than twenty minutes, Sarah was certain that she hadn't got the job.

- 1) When not interviewed 2) Not having been interviewed
3) Not to be interviewed 4) Not being interviewed

309. to work, Jane witnessed a car accident on the highway.

- 1) Having driven 2) Driven 3) While driving 4) To drive

310., Mr. Black did not try to advance himself professionally.

(زبان ۹۰)

- 1) To be extremely timed 2) Being extremely timed
3) Been extremely timed 4) Extremely timed person

311. the daughter of a bookshop owner, spent most of her childhood surrounded by books.

- 1) Being Sally 2) Sally, been 3) Sally, being 4) Having been Sally

312., there was nowhere to eat.

(زبان ۹۴)

- 1) With the restaurant having closed 2) Having closed the restaurant
3) by closing the restaurant 4) The restaurant was closed

313. a US citizen, Eleni knew it would be difficult to get a visa.

(زبان ۹۳)

- 1) Not being 2) Not to be 3) She was not 4) That she was not

314. The company had opened a new factory, many new jobs.

(زبان ۹۵)

- 1) creating 2) if it creates 3) were to create 4) in order that creates

315. criticizing the employees all the time, the manager decided to switch to praising their good actions to see how it would work.

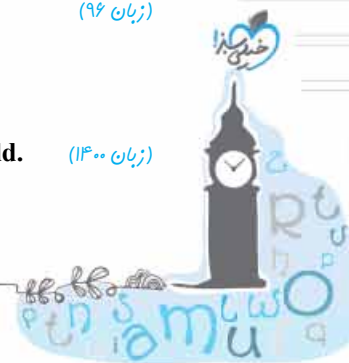
(زبان ۹۶)

- 1) Tired of 2) He was tired of
3) Despite being tired of 4) He was tired because of

316. able to find a job easily, Johannes decided to improve his knowledge in his own field.

(زبان ۱۴۰۰)

- 1) For being 2) To be 3) So that be 4) Being



712. Uncle Joe was so careless money that he spent \$1000 clothes the holiday weekend. (زبان ۸۶)
- 1) of - for - in 2) for - on - at 3) on - for - on 4) with - on - over
713. Despite the need more teachers, the teacher training college is to be reduced size next year. (زبان ۸۷)
- 1) for - in 2) of - in 3) for - down 4) of - down
714. The product should be assembled the instructions. (زبان ۹۴)
- 1) as well as 2) in accordance with 3) for the sake of 4) in terms of
715. all the advances which have been made so far, the number of farms grows smaller every year. (زبان ۹۷)
- 1) Despite 2) However 3) Although 4) Nevertheless
716. Nolde states that the 1st of February 1893 in the desert north of Hail the temperature fell from 78° a little before sunset to 18° a quarter of an hour after. (انسانی ۹۸)
- 1) at 2) in 3) on 4) for
717. The two friends planned to leave their home country September 15th, 2020. (فارغ ۹۸)
- 1) on 2) at 3) in 4) for
718. He is the first to admit that much of his success is his good looks. (زبان دی ماه ۱۴۰۱)
- 1) since 2) because 3) due to 4) result of

بخش هفدهم نکات گوناگون Miscellaneous

وارونگی (Inversion) بعد از قیدهای منفی:

اگر جمله با کلمات یا عبارات زیر شروع شود، جمله حالت سوالی پیدا می‌کند یا ترتیب کلمات تغییر می‌کند.

hardly ever – neither – never – no sooner ... than – nor – not often – not once – not only – as well – not only ... but also – not until – nowhere – on no account – only – only by – only in this way – only when – rarely – scarcely – scarcely ... when – seldom – so – under no circumstances

Not only **does Mary work** at the post office, but she also works at the grocery store.

Never again **did Max buy** another motorcycle.

Hardly ever **does he come** to class on time.

Rarely **have I eaten** better food.

Not only **does Mary work** at the post office, but she also works at the grocery store.

Only if we invest more money **can we save** the company.

No sooner **had the shop opened** its doors than it went bankrupt.

Little **did we know** about him when we hired him.

Not often **can we see** such great expressions of art.

Under no circumstances **can you inform** the staff about the imminent changes.

At no time **did I mean** to hurt your feelings. It was all a big misunderstanding.

فصل اول

- 1081. The purpose of the meeting is to figure out why our company is failing to in such a healthy economy.**
1) flourish 2) wander 3) reveal 4) pretend
- 1082. The World Health Organization regards tobacco as the only legal product that kills half of its regular users.**
1) rationally 2) proudly 3) eventually 4) lazily
- 1083. The in the marriage rate, followed by a dramatic decrease in childbearing, has sounded the alarm of the aging population.**
1) shortage 2) decline 3) incline 4) impact
- 1084. Someone once joked that has developed man to such a high degree that he builds zoos to keep his ancestors in cages!**
1) implementation 2) restriction 3) recognition 4) evolution
- 1085. Soft skills the way for success. It can help you do better at home, at work, or in school. Build these skills so that you can succeed.**
1) pave 2) review 3) testify 4) acquire
- 1086. The people of Belarus continue to live with the of the world's worst nuclear disaster at Chernobyl.**
1) probabilities 2) consequences 3) significances 4) distinctions
- 1087. Alvin never told anyone about the horrible he did, but he knows in his heart that his actions are wrong.**
1) fatigue 2) trend 3) feature 4) deed
- 1088. Knowing it would be a, we allowed some needy family members to move in to our home.**
1) suicide 2) sacrifice 3) hostility 4) stance
- 1089. Benjamin Disraeli once said that the greatest good you can do for another is not just share your riches, but to to him his own.**
1) reserve 2) revise 3) retain 4) reveal
- 1090. Students need to study examples of changes in genetic information that can arise due to mutation. They should also study the impact of acquired changes on organisms and develop an understanding that these changes are not because they are not created by genetic changes.**
1) inherited 2) estimated 3) convinced 4) survived
- 1091. Switzerland maintained its impartial through World War I, when it mobilized its army and accepted refugees but also refused to take sides militarily.**
1) stance 2) attempt 3) fortune 4) rhythm
- 1092. Kids watch their parents for a living. It's their job. And they know their parents have more power than they do. So they learn quickly which parent can be**
1) derived 2) diagnosed 3) accused 4) manipulated
- 1093. The report claimed that there were 8,000 centrifuges installed at Natanz, 6,200 of which were operating. Tehran claimed that the U.S. had fabricated the**
1) custom 2) origin 3) evidence 4) distribution
- 1094. Child and youth homelessness in the United States is all too common —the latest national data shows that a/ an 1-in-41 school-age children are homeless.**
1) heated 2) instant 3) identical 4) estimated

مکالمه

Language Functions

حدود ۵ تا ۱۰ سؤال زبان تخصصی به این بخش اختصاص دارد. در این نوع سؤالات، شما با اصطلاحات عامیانه‌ای برخورد می‌کنید که چاره‌ای جز حفظ‌کردنشان نیست. برای تسلط به این بخش، باید اصطلاحات زیادی را بلد باشید. تلاش کردم در قالب ۲۵ موضوع، مهم‌ترین اصطلاحات انگلیسی را با مثال برایتان بیاورم. حتماً آن‌ها را حفظ کنید و بعد از آن به سؤالات کنکور سال‌های قبل پاسخ دهید و نکات پاسخ‌نامه آن‌ها را خوب یاد بگیرید. بدک نیست که گاهی هم برای پیدا کردن یک اصطلاح خاص، سری به دیکشنری بزنید!

1. GOING SHOPPING

(to) come in – to be available in; to be sold in a certain color, style, size or material

موجود بودن کالایی در رنگ، طرح، اندازه و جنس خاص

- Does this jacket **come in** leather? آیا این کت مدل پریم هم دارد؟

(a) good buy – a good price; a bargain خرید خوب و به صرفه

- You bought that Tommy Hilfiger shirt for just \$15? That's a **good buy**!

آن پیراهن تامی هیلفیگر را فقط ۱۵ دلار خریدی؟ خیلی خوب خریدی!

(to) hold off – to wait to do something; to delay صبر کردن، به تأخیر انداختن

- We'd like to buy a new car, but we're going to **hold off** until the new models are released.

ما می‌فرواهیم که یک ماشین جدید بخریم اما می‌فرواهیم تا زمانی که مدل‌های جدید به بازار بیایند صبر کنیم.

in stock – available for sale موجود (برای فروش)

- If you're interested in that toaster, you should buy it now. We've only got a few left **in stock**.

اگر از آن تستر فوشتان آمده، باید همین الان آن را بخرید، فقط چند عدد از آن را برای فروش موجود داریم.

just browsing – shopping, without necessarily buying anything; only looking فقط دارم نگاه می‌کنم.

- "May I help you find something?" – "No, thanks. I'm **just browsing**."

«می‌توانم کمکتان کنم چیزی را که می‌فرواهید پیدا کنید؟» - «نه، متشکرم. فقط دارم می‌گردم و نگاه می‌کنم.»

marked down – lowered in price; on sale هراج شده، ارزان شده

- This shirt was **marked down** from \$49.95 to \$24.95.

قیمت این پیراهن از ۴۹/۹۵ دلار تا ۲۴/۹۵ دلار پایین رسیده و ارزان شده.

(to) not be crazy about – to not like very much; to not be enthusiastic about

چیزی را خیلی دوست نداشتن، به چیزی اشتیاق نداشتن

- I'm **not crazy about** your plan to spend all day at the mall.

من برنامه تو برای گذراندن تمام روز در مرکز خرید را خیلی دوست ندارم.

on sale – at a reduced price هراج، ارزان شده

- I like this leather jacket, but \$299 is expensive. I'll wait until it goes **on sale**.

من این کت پریم را دوست دارم، اما قیمت ۲۹۹ دلار برای آن گران است. تا زمانی که به هراج گذاشته شود صبر فواهم کرد.



pricey – expensive گران

- Lucia's Trattoria is a great restaurant, but it's **pricey**. Dinner for two costs about \$150.
رستوران Lucia's Trattoria فوق العاده اما گران است. هزینه یک شام برای دو نفر در آنجا تقریباً ۱۵۰ دلار می شود.

(to) run small/ to run big – to fit small / to fit large (a cut or style of clothing that is smaller or bigger than expected) قالب و سایز کوچک تر / بزرگ تر از معمول داشتن

- These shoes **run small**, so if you're usually a size 7, try an 8.
قالب این کفش ها کوچک است، پس اگر معمولاً سایز ۷ به پا می کنی، الان سایز ۸ را امتحان کن.

sold out – completely sold تماماً به فروش رفته، تمام شده

- Gary went to the Apple store to buy the new iPad, but it was **sold out**.
گری به فروشگاه اپل رفت تا آئیپد جدید بگیرد، اما تمام شده بود.

take my word for it – trust me; believe me حرفم را قبول کن.

- Take my word for it.** You won't find this camera cheaper at any other store.
حرفم را قبول کن. این دوربین را با قیمت پایین تر در هیچ مغازه دیگری پیدا نخواهی کرد.

(to) try something on – to put something on to see if it fits پرو کردن، امتحان کردن

- You'd better **try on** your wedding dress again before the wedding to make sure it still fits!
بهتر است که لباس عروسی ات را قبل از عروسی دوباره پرو کنی تا مطمئن شوی هنوز اندازه تو است!

تمرین دست گرمی درس اول

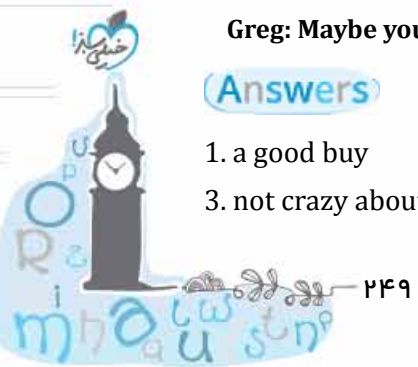
مکالمات زیر را با اصطلاحات داده شده کامل کنید.

just browsing - runs big - not crazy about - a good buy

- Alice: I love your new dress. It looks great on you.
Betty: Thanks. It was I got it on sale for half the price.
Alice: Wow, that's awesome. You're lucky to find such a bargain.
- Clerk: Can I help you find anything?
Dave: No, thanks. I'm
Clerk: Okay, let me know if you need any assistance.
- Eric: Do you want to watch the new horror movie with me?
Fiona: No, thanks. I'm horror movies. They give me nightmares.
Eric: Oh, I see. How about a comedy then?
- Greg: How do these shoes fit you?
Helen: They're too big for me. I think this brand
Greg: Maybe you should try a smaller size then.

Answers

- a good buy
- just browsing
- not crazy about
- runs big



4. Gina: How are things with Harry?

Irene: Not so good. We're We argue a lot and don't see eye to eye on anything.

Gina: I'm sorry. That's hard. Do you think you can work it out?

Irene: I don't know. Maybe we need some space.

Answers

1. No such luck
2. I've been better
3. beside myself
4. going through a rough patch



A: Wow, look at this dress. It's so beautiful and elegant.

B: Yeah, it is. And it's(1681).... from \$200 to \$100. That's a great deal.

1681.

- 1) worn-down 2) run-down 3) marked down 4) cut down

A: Do you think we should go to the beach today?

B: I think we should(1682).... until tomorrow. The weather forecast says it's going to rain later.

1682.

- 1) hold off 2) turn in 3) make it 4) tag along

A: Excuse me, do you have this book(1683)....?

B: I'm sorry, we're sold out of that one. It's very popular.

1683.

- 1) on sale 2) in stock 3) by chance 4) in advance

A: This restaurant is amazing. You have to try their pasta.

B: Really? I'm not a big fan of pasta.

A: Trust me, it's delicious.(1684).... . You won't regret it.

1684.

- 1) Give me the creeps 2) Let's face it 3) Take my word for it 4) Give me the ax

A: I'm sorry to hear that you failed your math test.

B: Yeah, it's(1685).... . I studied really hard for it.

A: Don't worry, you'll do better next time. Maybe you can ask the teacher for some extra help.

B: Thanks, that's a good idea.

1685.

- 1) a lemon 2) a bumner 3) out of work 4) a last resort

A: Excuse me, I bought this sweater yesterday, but it's too small. Can I return it?

B: Sure, do you have the receipt?

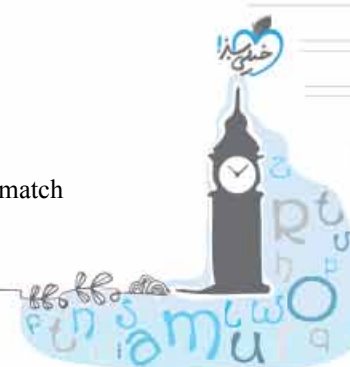
A: Yes, here it is.

B: OK, we can do(1686).... . You can choose another sweater of the same price.

A: Great, thank you.

1686.

- 1) an even exchange 2) a mutual agreement 3) a fair trade 4) a close match



Reading Comprehension

نکات درک مطلب

خیلی‌ها الکی از درک مطلب می‌ترسند و فکر می‌کنند که باید معنی همه کلمات زبان انگلیسی را بلد باشند تا به سؤالات آن پاسخ دهند! اصلاً این طور نیست. ما به درک مطلب نیاز داریم نه ترجمه مطلب! با کمی تمرین اصولی، خدای درک مطلب می‌شوید. اول این که، به کتاب‌های پایه خودتان مسلط باشید. بعدش هر روز درک مطلب کار کنید؛ مثلاً روزی ۱ عدد. اولش ممکن است همه سؤالات آن را غلط غلط بزنید، ولی در کم‌تر از ۱ ماه، پیشرفت باورنکردنی خواهید داشت. من هم همین‌طور بودم!

ریدینگ و کلوزهای این کتاب را چه‌طور بخوانیم؟

خب، خیلی ساده است. از همین‌جا شروع کنید. اول درس‌نامه را سریع بخوانید و بعدش وارد درک مطلب‌ها و کلوزهای این کتاب شوید. کتاب را به دو روش بخوانید:

۱- **روش کنکوری:** خودتان را سر جلسه آزمون فرض کنید و با استفاده از تکنیک‌ها و مهارت‌هایی که در این درس‌نامه برایتان آورده شده است و با توجه به زمان‌بندی هر متن (کلوز تست: ۱۲ تا ۱۵ دقیقه، ریدینگ ۱۰ تا ۱۲ دقیقه)، به سؤالات هر متن پاسخ دهید. اول صورت سؤال، بعد انتخاب سؤالات آسان و بقیه داستان ... ممکن است در اوایل کار کمی سردرگم به نظر برسید، ولی نگران نباشید! به مرور زمان همه چیز دستگیرتان می‌شود. حتماً روزی ۱ درک مطلب را در برنامه خودتان بگنجانید. یا صبح ناشتا، یا ظهر یا شب! منظورم این است خودتان را درگیر این که چه زمانی را در روز صرف این بخش کنید، نکنید. (Just Do It)

۲- **سبک یک مترجم و سواسی و دقیق:** با این سبک شما رشد عمومی را می‌بینید! پس از این که به سؤالات درک مطلب به سبک کنکوری و طبق زمان خودش پاسخ دادید، حال با استفاده از دیکشنری، شروع به ترجمه دقیق متن، سؤالات و گزینه‌های آن کنید و سعی کنید به همه‌جای متن مسلط شوید یا این که ترجمه خودتان را با پاسخ‌نامه چک کنید. واژگان آن را حفظ کنید و سر از کار طراح سؤال درآورید. به فکر زمان هم نباشید چون در سبک دوم وقتتان آزاد است! راستی! اگر باز هم دیدید که در شروع کار، درک مطلب و کلوزهای زبان تخصصی برایتان سخت است و نیاز دارید کمی از پایه‌تر شروع کنید، حتماً اول با درک مطلب‌های کتاب **پت و متن** شروع کنید و معجزه را ببینید. خلاصه این که سمج باشید و کم نیاورید! درک مطلب‌تان که درست شود، در تست‌های گرامر و واژگان هم خیلی خیلی بهتر می‌شوید!

قبل از آشنایی با تیپ سؤالات درک مطلب و تکنیک پاسخ‌دادن به آن‌ها، با دو روش **Scanning** و **Skimming** آشنا شوید.

Scanning

از این مهارت برای پیدا کردن کلمات کلیدی متن استفاده می‌کنیم. در بسیاری از سؤالات درک مطلب، باید سریع کلمه کلیدی صورت سؤال را در متن هم پیدا کنیم چون به احتمال خیلی زیاد پاسخ در همان حوالی کلمه کلیدی است. در این مهارت نباید متن را دقیق بخوانیم، زیرا تمام هم و غم ما پیدا کردن آن کلمه کلیدی است. در این حالت، متن را از چپ به راست یا از راست به چپ، از بالا به پایین و بالعکس اسکن می‌کنیم تا کلید مورد نظر را پیدا کنیم.

Skimming

وقتی با اسکن کردن کلمه کلیدی را پیدا کردیم، حالا آن قسمت را اسکیم می‌کنیم تا مفهوم کلی آن را بفهمیم. خب حالا با یک مثال فارسی به فرق این دو دقت کنید. ممکن است در سؤال پرسیده شود که «چرا نادرشاه به هند لشکرکشی کرد؟» در این سؤال کلمات «هند» و «لشکرکشی» می‌توانند کلید ما باشند. خب حالا سراغ متن می‌رویم و با اسکن کردن «هند» و «لشکرکشی» را پیدا می‌کنیم. سپس از طریق اسکیم کردن همان ناحیه از متن، پاسخ سؤالمان را پیدا می‌کنیم.

نادرشاه افشار، شاه ایران، به علت عدم تحویل افغان‌هایی که در برانداختن سلسله صفوی نقش داشتند، به امپراتوری گورکانی هند لشکرکشی کرد و در نهایت فاتحانه وارد دهلی شد. سپاهیان او به آسانی ارتش گورکانی را که به لحاظ نفرات، از برتری چشمگیری برخوردار بود در نبرد کرنال شکست داد که منجر به تسلیم نهایی محمدشاه گورکانی گردید.



انواع سؤالات درک مطلب

وقتی با درک مطلب کنکور مواجه می‌شوید، اول باید سؤالات آن را بخوانید. به دو دلیل این کار را انجام دهید. اول این که بتوانید سؤالات آسان را انتخاب کنید که زودتر از بقیه به آن‌ها پاسخ دهید؛ چون اگر به ترتیب به سؤالات پاسخ دهید ممکن است سؤالات آسان را از دست بدهید و حتی به درک مطلب دوم هم نرسید. دوم این که، گاهی با خواندن صورت سؤال، به کلیت متن پی می‌برید و همین کار درک مطلب را آسان‌تر می‌کند.

نوع اول: پیدا کردن مرجع ضمیر (Locating References)

نوع دوم: معنی واژه (Vocabulary)

نوع سوم: جست‌وجوی جزئیات متن (Scanning for Details)

نوع چهارم: موضوع یا ایده اصلی متن (Main Idea or Topic)

نوع پنجم: استنباط کردن (Making Inferences)

نوع ششم: منظور نویسنده (Purpose Questions)

نوع هفتم: انتقالی (Transition Questions)

نوع هشتم: خلاصه یا ساده‌سازی متن / خواستن اطلاعات مهم (Summary or Simplification/ Essential Information)

نوع نهم: جای‌گذاری متن (Insert Text)

نوع دهم: لحن یا نگرش نویسنده (Tone of the Author)

نوع یازدهم: سؤال‌های نحوه ارائه اطلاعات در متن


پیدا کردن مرجع ضمیر

نوع اول

The word/pronoun "X" refers to

What does the word/pronoun X refer to?

در بیشتر مواقع، مرجع ضمیر قبل از خود ضمیر قرار دارد. البته در موارد کمی هم بعد از آن می‌آید. بهترین و سریع‌ترین روش برای پیدا کردن مرجع ضمیر، تکنیک «جایگزینی» است. تک‌تک گزینه‌ها را به جای ضمیر داخل متن بگذارید تا ببینید کدام یک به متن می‌خورد.

 **It is too late to do anything to help many languages, where the speakers are too few or too old, and where the community is too busy just trying to survive to care about their language. But many languages are not in such a serious position. Often, where languages are seriously endangered, there are things that can be done to give new life to them. It is called revitalisation.** (تالیفی)


- The word "their" in line 2 refers to

1) community

2) languages

3) positions

4) speakers

 کمک به بسیاری از زبان‌ها، در جاهایی که گویشوران بسیار اندک یا خیلی سالخورده هستند، و یا در جاهایی که جامعه آن‌قدر گرفتار بقا است که اهمیتی به زبانش نمی‌دهد، بسیار دیر شده است. اما بسیاری از زبان‌ها در چنین وضعیت جدی‌ای قرار ندارند. اغلب، در جاهایی که زبان‌ها شدیداً در معرض خطر انقراض قرار دارند، کارهایی می‌شود کرد که زندگی جدیدی به آن‌ها بدهد. به این کارها، احیا (تجدید حیات) می‌گویند. - واژه «their» در خط ۲ به اشاره دارد.


۴) گویشوران

۳) موقعیت‌ها

۲) زبان‌ها

۱) جامعه

تنها گزینه‌ای که از طریق جایگزینی کردن تک‌تک گزینه‌ها به جای their در دست درمی‌آید، «جامعه» است.

 **It's the fleetingness of experiential purchases that endears us to them. Either they're not around long enough to become imperfect, or they are imperfect, but our memories and stories of them get sweet with time. Even a bad experience becomes a good story.** (منقصر از زبان فارح از کشور ۱۳۰۱)

- The word "them" in line 2 refers to

1) stories

2) experiential purchases

3) memories

4) iPhones, clothes, couches, et cetera.

cloze 1

Cancer is not an infectious disease and HIV/AIDS(1867)..... . Yet, most people are afraid of these illnesses.(1868)..... in its advanced stage, cancer is not curable and scientists(1869)..... a cure for HIV/AIDS.

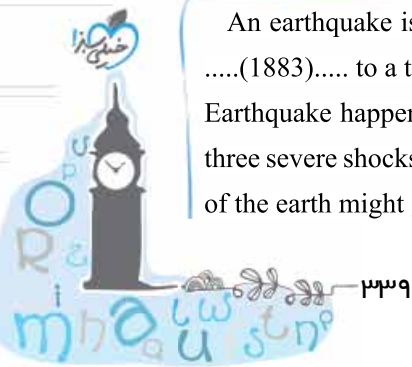
In a cancer patient, some of the cells in the body suddenly begin to behave(1870)..... . They may produce strange growths(1871)..... tumors inside or on the surface of the body. If the tumors cannot be controlled, they grow until they interfere with the body's functions and cause death. Many(1872)..... are chemicals. Smoking can increase the risk of getting cancer. Today, however, some cancers are(1873)....., especially if they(1874)..... early enough.

AIDS (Acquired Immune Deficiency Syndrome) is the name given to the(1875)..... condition that results from long-term infection with HIV (Human Immunodeficiency Virus). Normally, the body can(1876)..... itself against many diseases. But, HIV/AIDS cause the body's natural defenses(1877)..... . The person may die because the body's(1878)..... defense system cannot fight infections(1879)..... tuberculosis and diarrhea,(1880)..... the body can normally defend(1881)..... . You should ask your parents more about HIV/AIDS

- | | |
|--|----------------------------------|
| 1867. 1) is not very easily transmitted | 2) has not been very transmitted |
| 3) does not transmit very easily | 4) cannot very easily transmit |
| 1868. 1) Due to | 2) This is because |
| 3) Because of | 4) Despite |
| 1869. 1) have found yet | 2) yet finding |
| 3) have yet to find | 4) yet haven't found |
| 1870. 1) appropriately | 2) abnormally |
| 3) accordingly | 4) rationally |
| 1871. 1) which called | 2) that calling |
| 3) are called | 4) called |
| 1872. 1) cause to cancer agents | 2) cancer-causing agents |
| 3) agents to cause cancer | 4) agents that causing cancer |
| 1873. 1) invasive | 2) curable |
| 3) viable | 4) feasible |
| 1874. 1) detect | 2) are detecting |
| 3) may detect | 4) are detected |
| 1875. 1) fatal | 2) original |
| 3) pristine | 4) stable |
| 1876. 1) provide | 2) decompose |
| 3) bury | 4) defend |
| 1877. 1) which fail | 2) that they fail |
| 3) to fail | 4) by failing |
| 1878. 1) immune | 2) passive |
| 3) inadequate | 4) weak |
| 1879. 1) such | 2) so |
| 3) such as | 4) as such |
| 1880. 1) that | 2) against them |
| 3) against that | 4) against which |
| 1881. 1) himself | 2) itself |
| 3) it | 4) them |

cloze 2

An earthquake is in fact a kind of tremor(1882)..... in the earth's crust. Two main causes that usually(1883)..... to a tremor include volcanic eruptions and sudden dislocation in the rock structure underneath. Earthquake happens as a/an(1884)..... having two or three phases; at first a tremor(1885)..... two or three severe shocks occur on earth,(1886)....., another short tremor occurs again. However, mild quivering of the earth might go on for a couple of days.



such as hermit crabs, cannot live underwater and depend on the shallow pools left by low tides. In this way, the biotic parts of the ecosystem depend on abiotic factors.

The whole surface of Earth is a series of connected ecosystems. Ecosystems are often connected in a larger biome. Biomes are large sections of land, sea, or atmosphere. Forests, ponds, reefs, and tundra are all types of biomes, for example. They are organized very generally, based on the types of plants and animals that live in them. Within each forest, each pond, each reef, or each section of tundra, you will find many different ecosystems.

2201. All of the following are mentioned in the passage EXCEPT..... .

- 1) natural habitats and their ecosystems are more and more endangered
- 2) all the parts work together to make a balanced ecosystem
- 3) ecosystems contain biotic as well as abiotic factors
- 4) ecosystems vary in size

2202. The passage suggests that

- 1) biodiversity affects the function of ecosystems
- 2) the animals and plants that live in the tide pool ecosystem have unique adaptations which enable them to live
- 3) the arid climate and hot weather characterize the biome
- 4) energy and carbon enter ecosystems through photosynthesis

2203. The word "aquatic" in paragraph 2 is closest in meaning to

- 1) land biome
- 2) untouched land
- 3) contaminated water
- 4) water biome

2204. According to the passage, "abalone" is an example of a/an

- 1) flesh eater
- 2) extinct biome
- 3) plant eater
- 4) tiny insect

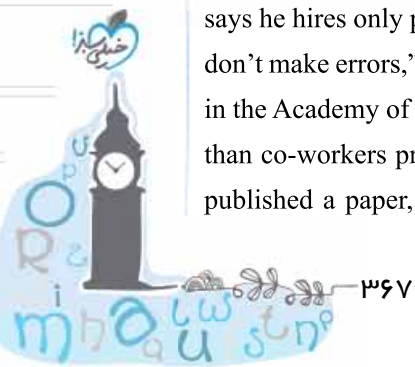
2205. It can be inferred from the passage that

- 1) ecosystems have a lot of species diversities
- 2) there is always a direct relationship between factors in an ecosystem
- 3) parts of ecosystems are very resistant to changes in the temperature
- 4) some ecosystems tend to be totally independent of others

Reading 14

Many of history's most eminent scientists suffered from anxiety or depression, or both. When Sir Isaac Newton invented calculus, he didn't publicize his work for 20 years— because, some conjecture, he was too anxious and depressed to tell anyone. For more than five years after a nervous breakdown around 1678, when he was in his mid-30s, he rarely ventured far from his room at Cambridge. Perhaps if Darwin had not been largely housebound by his anxiety for decades on end, he would never have been able to finish his work on evolution. Sigmund Freud's career was nearly derailed early on by his terrible anxiety and self-doubt; he overcame it, and once his reputation as a great man of science had been established, Freud and his acolytes sought to portray him as the eternally self-assured wise man. But his early letters reveal otherwise.

No, anxiety is not, by itself, going to make you a Nobel Prize-winning poet or a groundbreaking scientist. But if you harness your anxious temperament correctly, it might make you a better worker. Jerome Kagan says he hires only people with high-reactive temperaments as research assistants. "They're compulsive, they don't make errors," he told The New York Times. Other research supports Kagan's observation. A 2013 study in the Academy of Management Journal, for instance, found that neurotics contribute more to group projects than co-workers predict, while extroverts contribute less. And in 2005, researchers in the United Kingdom published a paper, "Can Worriers Be Winners?" reporting that financial managers high in anxiety tended



to be the best, most effective money managers, as long as their worrying was accompanied by a high IQ. Unfortunately, the positive correlation between worrying and job performance disappeared when the worriers had a low IQ. But some evidence suggests that excessive worrying is itself allied to intelligence.

2206. What does the passage mainly discuss?

- 1) The negative relationship between worrying and intelligence
- 2) The link between anxiety and high achievement
- 3) Why Noble Prize winners suffer from anxiety
- 4) The life of anxious or depressed scientists

2207. According to the passage, which of the following people lived at Cambridge?

- 1) Newton 2) Darwin 3) Kagan 4) Freud

2208. Which of the following is true about Freud according to the passage?

- 1) Before becoming famous as a man of science, Freud struggled with anxiety and self-doubt.
- 2) Freud's life-long anxiety and self-doubt helped him to gain his reputation as a man of science.
- 3) Freud portrayed himself as an eternally self-assured wise man in his early letters.
- 4) Freud's early letters were actually written by his acolytes.

2209. The function of the first sentence in paragraph 2 is to

- 1) support an earlier statement 2) prevent a misunderstanding
3) introduce a new topic 4) provide an example

2210. It is found in the paper "Can Worriers Be Winners?" that the best financial managers

- 1) hire people who are compulsive and neurotic 2) are high in anxiety regardless of their IQ
3) cannot harness their anxious temperament 4) are both anxious and intelligent people

Reading 15

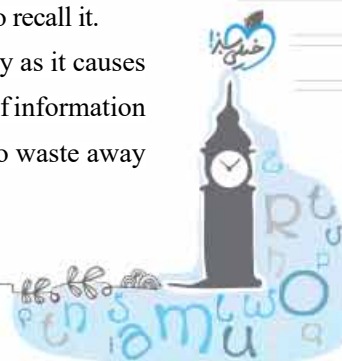
Learning is what your brain does naturally. In fact, it has been doing it every waking minute since about a month before you were born. It is the process by which you acquire and store useful (and useless) information and skills. Can you make it more efficient?

The answer lies in what happens physically as we learn. As it processes information, the brain makes and breaks connections, growing and strengthening the synapses that connect neurons to their neighbors, or shrinking them back. When we are actively learning, the making of new connections outweighs the breaking of old ones. Studies in rats have shown that this rewiring process can happen very quickly-within hours of learning a skill such as reaching through a hole to get a food reward. And in some parts of the brain, notably the hippocampus, the brain grows new brain cells as it learns.

But once a circuit is in place, it needs to be used if it is going to stick. This largely comes down to myelination-the process whereby a circuit that is stimulated enough times grows a coat of fatty membrane. This membrane increases conduction speed, making the circuit work more efficiently.

What, then, is the best way to learn things and retain them? The answer won't come as a huge surprise to anyone who has been to school: focus attention, engage working memory and then, a bit later, actively try to recall it.

Alan Baddeley of the University of York, UK, says it is a good idea to test yourself in this way as it causes your brain to strengthen the new connection. He also suggests consciously trying to link new bits of information to what you already know. That makes the connection more stable in the brain and less likely to waste away through underuse.



2400. The phrase “on the loose” in paragraph 1 is closest in meaning to

- 1) murdering people 2) aggressive 3) not dead 4) free

2401. In solving violent crimes, what is an advantage of DNA over fingerprints?

- 1) All people have unique DNA sequences.
2) It is harder for criminals to remove DNA evidence.
3) It is easier for lawyers to cast doubt on fingerprints.
4) DNA evidence is scientifically more reliable than fingerprints.

2402. According to paragraph 2, with DNA evidence against their clients, defense lawyers could

- 1) still show that there is reason to believe their client is innocent
2) ask for collecting and analyzing fingerprints as well
3) only ask for a reduction of prison sentence
4) not believe in their client’s innocence

2403. Which of the following is NOT discussed in the passage?

- 1) The discovery of fingerprints
2) A case solved because of DNA fingerprinting
3) The first case solved because of fingerprints
4) A TV show that highlights the importance of DNA fingerprinting

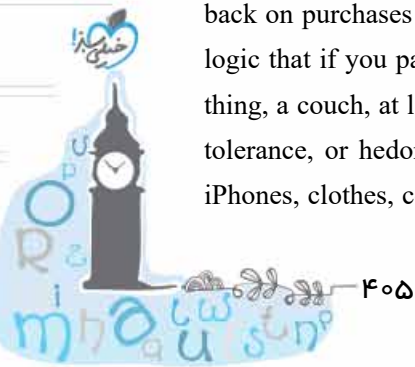
خارج ۱۴۰۱

Passage 1

Over the past decade, an abundance of psychology research has shown that experiences bring people more happiness than do possessions. The idea that experiential purchases are more satisfying than material purchases has long been the domain of Cornell psychology professor Thomas Gilovich. Since 2003, he has been trying to figure out exactly how and why experiential purchases are so much better than material purchases. In the journal *Psychological Science* last month, Gilovich and Killingsworth, along with Cornell doctoral candidate Amit Kumar, expanded on the current understanding that spending money on experiences “provides more enduring happiness.” They looked specifically at anticipation as a driver of that happiness, whether the benefit of spending money on an experience accrues before the purchase has been made, in addition to after. And, yes, it does.

Gilovich’s prior work has shown that experiences tend to make people happier because they are less likely to measure the value of their experiences by comparing them to those of others. For example, Gilbert and company note in their new paper, many people are unsure if they would rather have a high salary that is lower than that of their peers, or a lower salary that is higher than that of their peers. With an experiential good like vacation, that dilemma doesn’t hold. Would you rather have two weeks of vacation when your peers only get one? Or four weeks when your peers get eight? People choose four weeks with little hesitation.

Experiential purchases are also more associated with identity, connection, and social behavior. Looking back on purchases made, experiences make people happier than do possessions. It’s kind of counter to the logic that if you pay for an experience, like a vacation, it will be over and gone; but if you buy a tangible thing, a couch, at least you’ll have it for a long time. Actually most of us have a pretty intense capacity for tolerance, or hedonic adaptation, where we stop appreciating things to which we’re constantly exposed. iPhones, clothes, couches, et cetera, just become background. They deteriorate or become obsolete. It’s the



۲۱- **گزینه ۴** از ساعت هفت امروز صبح، آقای یوکوتا در باغش کار می‌کرد.
 برای صحبت کردن درباره عملی که در گذشته شروع شده و هنوز هم ادامه دارد، از زمان حال کامل استمراری استفاده می‌کنیم.

۲۲- **گزینه ۳** من زودتر مقداری خوراک مرغ کاری پخته بودم و می‌خواستم از ریچارد و کیت بخوام برای شام بمانند، اما درست همان موقع یادم آمد که هر دوی آن‌ها گیاه‌خوار هستند.
 هر وقت بخوایم بگوئیم کاری در گذشته، قبل از کار دیگری انجام شده بود از زمان گذشته کامل استفاده می‌کنیم. ضمن این‌که در گذشته تصمیم گرفتم کاری را در آینده انجام دهم.

۲۳- **گزینه ۴** همسایه‌ها دیشب داشتند آن قدر بلند فریاد می‌زدند که همه ما را تا بعد از نیمه‌شب بیدار نگه داشتند.
 از گذشته استمراری برای بیان عملی که در گذشته به صورت استمرار در حال انجام بود، استفاده می‌کنیم.

۲۴- **گزینه ۲** برادرم هر روز صبح از کنار اداره پست رد می‌شود و من همه هفته از او خواستم تا یک نامه را برای من پست کند، اما او همچنان فراموش می‌کند، بنابراین فردا خودم می‌خواهم آن را پست کنم.
 برای صحبت کردن درباره عملی که در گذشته شروع شده و هنوز هم ادامه دارد، از زمان حال کامل استمراری استفاده می‌کنیم.

۲۵- **گزینه ۴** استفاده بشر از تصویر برای داستان‌گویی و ثبت تجارب در دوران قبل از تاریخ شروع شد، وقتی او روی دیوارهای غارها نقاشی می‌کشید.
 برای صحبت کردن درباره کارهایی که به طور کامل در گذشته انجام شد، از زمان گذشته ساده استفاده می‌کنیم.

۲۶- **گزینه ۳** ما داریم از سگ همسایه و سگ خودمان مراقبت می‌کنیم و او روزی دو کیلو گوشت می‌خورد؛ بنابراین این روزها گوشت برای سگ به صورت عمده می‌خرم.
 در جای خالی اول، به خاطر این‌که اشاره به یک عادت دارد از زمان حال ساده استفاده می‌کنیم. از زمان حال استمراری هم برای بیان عملی استفاده می‌کنیم که هم‌اکنون یا همین روزها در حال انجام است.

۲۷- **گزینه ۱** شرایط آب‌وهوایی در تمام روز در حال بهبود بوده است و اکنون مقامات اطمینان دارند که مسابقه قهرمانی پیش خواهد رفت.
 از زمان آینده ساده، می‌توانیم برای پیش‌بینی براساس نظر شخصی استفاده کنیم.

۲۸- **گزینه ۲** حدود یک ماه پیش، یک بروشور درباره هتل‌تان درخواست کردم، اما هنوز آن را دریافت نکرده‌ام.
 yet در حال کامل منفی به کار می‌رود.

۲۹- **گزینه ۳** از سال ۱۸۰۴ کارخانه فولاد در یانگ‌استون فولاد تولید می‌کرد تا وقتی که در دهه ۱۹۸۰ بسته شد.
 وقتی عملی در گذشته قبل از زمان گذشته ساده به صورت استمرار انجام شده بود، از زمان گذشته کامل استمراری استفاده می‌کنیم.

۳۰- **گزینه ۴** در سال ۲۰۴۵، ۵۰۰ سال شده است که آن سفر به یادماندنی تمام شد.
 از زمان آینده کامل برای صحبت کردن درباره عملی در آینده که قبل از زمان خاصی تمام شود، استفاده می‌شود.

۳۱- **گزینه ۲** هیچ کس فرد را از زمانی که تصمیم نسبتاً احمقانه‌ای گرفت که در طوفان به قایقرانی برود، ندیده است.
 در زمان حال کامل، از since برای بیان مبدأ شروع عملی استفاده می‌کنیم.

۳۲- **گزینه ۲** انتظار دارم وقتی آنا برسد خسته باشد. او به مدت بیش از ۲۰ ساعت است که سفر می‌کند.
 زمان آینده کامل استمراری توصیف‌کننده عملی است که در گذشته شروع و به صورت استمرار تا یک لحظه معینی در آینده ادامه داشته باشد.

۳۳- **گزینه ۱** چرا سر جلسه با من مخالفت کردی؟ آیا تلاش می‌کردی که من بی‌کفایت به نظر برسم؟
 از زمان گذشته استمراری برای بیان عملی که در گذشته به صورت مستمر در حال انجام بوده، استفاده می‌کنیم.

۳۴- **گزینه ۴** تو تا وقتی که به منزل مادر بزرگت برسی، به مدت یک ساعت رانندگی کرده‌ای.
 از زمان آینده کامل برای صحبت کردن درباره عملی در آینده که قبل از زمان خاصی تمام شود، استفاده می‌شود.

۳۵- **گزینه ۱** لطفاً ساکت باشید! دارم به رادیو گوش می‌دم.
 می‌دانید که صبح‌ها به اخبار گوش می‌دهم.
 از زمان حال ساده درباره عادت روزمره استفاده می‌کنیم.

۳۶- **گزینه ۴** تاکنون فقط نصف گزارش را نوشته‌ام، اما تا شنبه همه آن را تمام کرده‌ام.
 از زمان آینده کامل برای صحبت کردن درباره عملی در آینده که قبل از زمان خاصی تمام شود، استفاده می‌شود.

۳۷- **گزینه ۳** وقتی در بیرون از مغازه منتظر عمه‌ام بودم، شخصی کیف پولم را دزدید.
 برای بیان عملی که در گذشته در حال انجام بوده است، از زمان گذشته استمراری استفاده می‌کنیم. به حرف ربط while هم دقت کنید.

۳۸- **گزینه ۱** به محض این‌که پولی به من پرداخت شود، تو را برای یک وعده غذایی بیرون خواهیم برد.
 برای بیان زمان آینده در جملات پیرو و بعد کلمات ربط after, when, as before, soon as, until, as long as

۳۹- **گزینه ۲** او می‌گوید که قصد دارد به قطار ساعت ۸ فردا برسد، اما مطمئنم که طبق معمول به آن نمی‌رسد.
 در جای خالی اول، از be going to استفاده می‌کنیم چون از قبل تصمیم گرفته شده در آینده کاری انجام شود. در جای خالی دوم هم از زمان آینده ساده استفاده می‌کنیم، چون پیش‌بینی براساس نظر شخصی است.



وجه وصفی می‌تواند با صفت هم ساخته شود. البته being قبل از آن می‌تواند حذف شود.

۳۱۶- گزینه ۲ ژوانس برای این‌که بتواند به آسانی شغل پیدا کند، تصمیم گرفت دانشش را در رشته خودش افزایش دهد.

برای بیان هدف و منظور از مصدر با to استفاده می‌کنیم. (گفتم به گریزی به روابط افعال بزنم!)

۳۱۷- گزینه ۴ انجام کار یکسان به طور مکرر او را خسته کرده است. فعل در نقش فاعل به شکل اسم مصدر یا مصدر با to می‌آید.

۳۱۸- گزینه ۱ آیا زمانی که رفتی او را ببینی، او غافلگیر شد؟ بعد از صفت، فعل به صورت مصدر با to می‌آید.

۳۱۹- گزینه ۳ آیا شما علاقه دارید فردا با من به سینما بیایید؟ بعد از حرف اضافه، فعل به شکل اسم مصدر می‌آید.

۳۲۰- گزینه ۲ اگر می‌خواهیم درس‌هایمان را در دانشگاه ادامه دهیم، آیا یادگیری کامل انگلیسی ضروری است؟

بعد از صفت، فعل به شکل مصدر با to می‌آید. ضمن این‌که به الگوی «مصدر با to + صفت + It» دقت کنید.

۳۲۱- گزینه ۳ متخصصین محیط زیست، دولت را تشویق می‌کنند در این موضوع از رهبری کشورهای اسکاندیناوی پیروی کنند.

بعد از encourage، فعل به شکل مصدر با to می‌آید.

۳۲۲- گزینه ۲ به ما توصیه شده است ریسک نکنیم و به این کشورها سفر نکنیم.

بعد از risk، فعل به شکل اسم مصدر می‌آید.

۳۲۳- گزینه ۴ برایشان مهم نیست که یک ماه دیگر برای خریدن یک ماشین بهتر صبر کنند.

بعد از mind، فعل به شکل اسم مصدر می‌آید.

۳۲۴- گزینه ۱ همسایه ما یک عکاس است؛ بیا از او برای فیلم رنگی مشورت بخواهیم.

بعد از let، فعل به شکل مصدر بدون to می‌آید.

۳۲۵- گزینه ۱ نویسنده بزرگ اخیراً کتاب جدیدش را داده است تا چاپ کنند.

در وجه سببی مجهول، از قسمت سوم فعل استفاده می‌کنیم.

۳۲۶- گزینه ۱ دوست دارم وقتی نوشتن گزارش را تمام کرده‌اید، آن را بخوانم.

بعد از would like، فعل به شکل مصدر با to و بعد از finish، اسم مصدر می‌آید.

۳۲۷- گزینه ۱ نمی‌توانم لباس‌های گران بخرم چون که درآمدم پایین است.

بعد از afford، فعل به شکل مصدر با to می‌آید.

۳۲۸- گزینه ۱ افراد زیادی به دنبال ارزان‌ترین آموزشگاه رانندگی هستند بدون این‌که درک کنند که کیفیت آموزش چه قدر مهم است.

بعد از حرف اضافه، فعل به صورت اسم مصدر می‌آید.

۳۰۴- گزینه ۲ در حالی که دیوید با برادرش با دست تکان دادن خداحافظی می‌کرد، قطار را دید که ایستگاه را ترک می‌کند.

این دو عمل به طور هم‌زمان توسط فاعل یکسان انجام شدند، بنابراین از وجه وصفی ساده استفاده می‌کنیم.

۳۰۵- گزینه ۴ در حالی که آن چهار دانشجو، مورد اعتماد قرار گرفتند تا در طول چالش بین دانشگاهی نماینده دانشگاه باشند، دیروز انتخاب شدند.

به خاطر وجه وصفی مجهول، از گزینه (۴) استفاده می‌کنیم.

۳۰۶- گزینه ۱ مارکوس که مدرک رشته حقوقش را چند هفته پیش گرفت، اکنون به این فکر می‌کند که در رشته حقوق جنایی تخصص بگیرد.

به خاطر عدم هم‌زمانی دو جمله، از وجه وصفی کامل استفاده می‌کنیم.

۳۰۷- گزینه ۳ آن مرد که مطمئن بود آن اسب یک برنده است، تمام حقوقش را روی آن شرط بست.

این دو عمل به طور هم‌زمان توسط فاعل یکسان انجام شدند، بنابراین از وجه وصفی ساده استفاده می‌کنیم.

۳۰۸- گزینه ۲ سارا که بیشتر از بیست دقیقه مصاحبه نشد، مطمئن بود که آن شغل را به دست نیاورده بود.

در این‌جا وجه وصفی کامل که هم مجهول و هم منفی است، داریم.

۳۰۹- گزینه ۳ وقتی جین در حال رانندگی به محل کارش بود، شاهد تصادفی در بزرگراه بود.

قبل از اسم مصدر در وجه وصفی، می‌توان از while یا when هم استفاده کرد.

۳۱۰- گزینه ۲ چون آقای بلک مسئولیت‌های زیادی داشت، تلاش نکرد که خودش را از لحاظ حرفه‌ای پیشرفت دهد.

از being برای مجهول وجه وصفی ساده استفاده می‌کنیم.

۳۱۱- گزینه ۳ سالی که دختر صاحب یک کتابفروشی بود، بیشتر دوران کودکی‌اش را در احاطه با کتاب سپری کرد.

در این‌جا وجه وصفی بعد از فاعل آمده است.

۳۱۲- گزینه ۱ با بسته‌شدن رستوران، هیچ‌جا برای غذا خوردن وجود نداشت.

با وجه وصفی، از حروف اضافه هم استفاده می‌شود.

۳۱۳- گزینه ۱ النی که یک شهروند آمریکایی نبود، می‌دانست که ویزا گرفتن سخت است.

اول این‌که، ساختار جمله وجه وصفی است، ثانیاً منفی هم است.

۳۱۴- گزینه ۱ شرکت، کارخانه جدیدی افتتاح کرده که مشاغل جدید زیادی ایجاد کرده است.

فاعل دو جمله، the company است و زمان دو جمله هم یکسان؛ بنابراین از وجه وصفی ساده استفاده می‌کنیم.

۳۱۵- گزینه ۱ مدیر که از انتقاد دائم کارمندان خسته شده بود، تصمیم گرفت به تعریف از کارهای خوب آن‌ها تغییر رویه دهد تا ببیند این روش چگونه جواب می‌دهد.



واژگان

۱۰۹۰- **گزینه ۱** دانشجویها باید نمونه‌هایی از تغییرات اطلاعات ژنتیکی را که می‌تواند به خاطر جهش ژنی ایجاد بشود، مطالعه کنند. آن‌ها همچنین باید تأثیر تغییرات اکتسابی روی موجودات زنده را مطالعه کنند و به این درک برسند که این تغییرات موروثی نیستند، چون با تغییرات ژنتیکی ایجاد نمی‌شوند.

(۱) به ارث بردن (۲) تخمین زدن
(۳) متقاعد کردن (۴) زنده ماندن، بقایافتن

۱۰۹۱- **گزینه ۱** سوئیس موضوع بی‌طرفانه خودش را در طول جنگ جهانی اول حفظ کرد، زمانی که ارتشش را بسیج کرد و پناهجویان را پذیرفت، اما در عین حال از سوگیری نظامی اجتناب کرد.

(۱) موضوع (۲) تلاش
(۳) شانس، ثروت (۴) ریتم

۱۰۹۲- **گزینه ۴** بچه‌ها در طول زندگی‌شان والدینشان را تحت نظر دارند. کارشان همین است و می‌دانند که والدینشان قدرت بیشتری از آن‌ها دارند؛ بنابراین سریع می‌فهمند که کدامیک از والدین می‌تواند گول بخورد.

(۱) مشتق شدن، نتیجه گرفتن (۲) (پزشکی) تشخیص دادن
(۳) متهم کردن (۴) دستکاری کردن، شیرمالیدن، گول زدن

۱۰۹۳- **گزینه ۳** بر طبق گزارش ۸۰۰۰ سانترفیوژر در نطنز وجود داشته که ۶۲۰۰ تا از آن‌ها فعال بودند. تهران ادعا کرد که آمریکا این شواهد را جعل کرده بود.

(۱) رسم (۲) ریشه، منشأ
(۳) شواهد (۴) توزیع، پخش

۱۰۹۴- **گزینه ۴** بی‌خانمانی کودکان و جوانان در آمریکا بسیار شایع است - آخرین اطلاعات ملی نشان می‌دهد که حدود ۱ نفر از هر ۴۱ بچه مدرسه‌ای بی‌خانمان هستند.

(۱) گرم (۲) فوری
(۳) یکسان (۴) حدود

۱۰۹۵- **گزینه ۱** معماران ایرانی اخیراً روی تغییر ظاهر معماری ایرانی معاصر تمرکز کرده‌اند.

(۱) معاصر (۲) منسجم
(۳) سخاوتمند، زیاد (۴) منفعل؛ مجهول

۱۰۹۶- **گزینه ۳** کامران یک معلم پرذوق است که همیشه دنبال راه‌های جدیدی برای به هیجان آوردن دانش‌آموزانش است.

(۱) قطعی، مسلم (۲) سطحی، سرسری
(۳) مشتاق، باذوق (۴) بی‌ثبات

۱۰۹۷- **گزینه ۱** شکارچیان در مرکز روستا جمع می‌شوند و بعد از مراسم ذبح در مراسمی خاص، خدا را شکرگزاری می‌کنند.

(۱) جمع شدن (۲) قبول کردن، متعهد شدن
(۳) غلبه کردن، چیره شدن (۴) ترکیب کردن، یکپارچه کردن

۱۰۸۱- **گزینه ۱** هدف از جلسه این است که بفهمیم چرا شرکت ما موفق نمی‌شود در چنین اقتصاد سالمی شکوفای شود.

(۱) شکوفاشدن (۲) سرگردان بودن
(۳) نشان دادن، آشکار کردن (۴) وانمود کردن

۱۰۸۲- **گزینه ۳** سازمان بهداشت جهانی تنباکو را تنها محصول قانونی به حساب می‌آورد که سرانجام نیمی از مصرف‌کنندگان دائمی خود را می‌کشد.

(۱) معقولانه (۲) با افتخار
(۳) سرانجام، بالأخره (۴) با تنبلی

۱۰۸۳- **گزینه ۲** کاهش نرخ ازدواج، به دنبال آن کاهش شدید در فرزندآوری، زنگ خطر جمعیت سالخورده را به صدا در آورده است.

(۱) کمبود (۲) کاهش
(۳) تمایل، شیب (۴) تأثیر

۱۰۸۴- **گزینه ۴** شخصی یک زمانی جوکی گفت که تکامل، انسان را تا چنان درجه بالایی رشد داده که باغ وحش می‌سازد تا اجداد خودش را در قفس نگاه‌داری کند!

(۱) انجام، اجرا (۲) محدودیت
(۳) شناسایی (۴) تکامل

۱۰۸۵- **گزینه ۱** مهارت‌های فردی راه موفقیت را هموار می‌کنند. می‌تواند به شما کمک کند تا کارتان را در خانه، محل کار یا مدرسه بهتر انجام دهید. این مهارت‌ها را بسازید تا بتوانید موفق شوید.

(۱) فراهم کردن، هموار کردن (۲) مرور کردن
(۳) شهادت دادن (۴) کسب کردن

۱۰۸۶- **گزینه ۲** مردم بلاروس هم‌چنان با پیامدهای بدترین فاجعه هسته‌ای جهان در چرنوبیل زندگی می‌کنند.

(۱) احتمال (۲) پیامد، نتیجه
(۳) اهمیت (۴) تمایز، فرق

۱۰۸۷- **گزینه ۴** آلوین هرگز به کسی درباره عمل فیزیکی که انجام داد چیزی نگفت، اما قلباً می‌داند که کارهایش اشتباه است.

(۱) خستگی (۲) روند
(۳) ویژگی (۴) عمل، کردار

۱۰۸۸- **گزینه ۲** با این که می‌دانستیم این یک فداکاری است، به تعدادی از اعضای نیازمند خانواده اجازه دادیم به خانه ما نقل مکان کنند.

(۱) خودکشی (۲) فداکاری
(۳) خصومت، دشمنی (۴) موضع، وضعیت

۱۰۸۹- **گزینه ۴** بنجامین دبیزائیلی زمانی گفت که بهترین کاری که می‌توانید برای کس دیگر انجام دهید این نیست که فقط ثروت‌هایتان را با او به اشتراک بگذارید، بلکه این است که دارایی‌های خودش را به او نشان دهید.

(۱) رزرو کردن (۲) اصلاح کردن، بازبینی کردن
(۳) نگاه داشتن (۴) نشان دادن، آشکار کردن



مکالمه

۱۶۸۱- گزینه ۳

الف: وای، این لباسو ببین. خیلی زیبا و شیکه.

ب: بله، همین طوره. و از ۲۰۰ دلار به ۱۰۰ دلار (۱) ارزان شده. یه خرید عالییه.

(۱) کهنه

(۲) خراب و داغون

(۳) ارزان شده، حراج شده

(۴) بریده شده

۱۶۸۲- گزینه ۱

الف: آیا فکر می کنی که امروز خوبه که به ساحل بریم؟

ب: فکر کنم تا فردا باید (۲) صبر کنیم. پیش بینی آب و هوا می گه که قراره بعداً بارون بیاد.

(۱) صبر کردن

(۲) تحویل دادن، وارد شدن

(۳) موفق شدن

(۴) همراه کسی جایی رفتن

۱۶۸۳- گزینه ۲

الف: ببخشید، آیا این کتاب را (۳) موجود دارید؟

ب: متأسفم، آن کتاب را تمام کرده ایم. خیلی محبوب است.

(۱) در حراج، در حال فروش

(۲) موجود

(۳) تصادفی

(۴) پیشاپیش

۱۶۸۴- گزینه ۳

الف: این رستوران فوق العاده ست. باید این پاستاش رو امتحان کنی.

ب: واقعاً؟ من زیاد طرفدار پاستا نیستم.

الف: به من اعتماد کن، خوشمزه ست. (۴) حرفمو قبول کن. بشیمون نمی شی.

(۱) منو می ترسونی، حالمو به هم می زنی

(۲) راستشو بخوای

(۳) حرفمو قبول کن

(۴) اخراجم کن

۱۶۸۵- گزینه ۲

الف: متأسفم می شنوم که امتحان ریاضیتو افتادی.

ب: بله، (۵) ضد حال بود. واقعاً براش سخت درس خوندم.

الف: ناراحت نباش، دفعه بعد بهتر امتحان می دی. شاید بتونی از معلم کمی کمک اضافی بگیری.

ب: ممنون، فکر خوبییه.

(۱) خراب، لگن

(۲) ضد حال

(۳) بیکار، بدون شغل

(۴) شانس آخر، آخرین تیر

۱۶۸۶- گزینه ۱

الف: ببخشید، من این ژاکتو دیروز خریدم، اما خیلی کوچیکه. می تونم برش گردونم؟

ب: حتماً، رسیدشو دارین؟

الف: بله، بفرمایید.

ب: باشه، می تونیم تعویضش کنیم. می تونی یه ژاکت دیگه با همون قیمت انتخاب کنی.

الف: عالییه، ممنون.

(۱) تعویض

(۲) توافق دوطرفه

(۳) قرارداد منصفانه

(۴) بازی نزدیک

۱۶۸۷- گزینه ۴

الف: می خوای این آخر هفته با ما بیای اسکی؟

ب: نه، ممنون. از اسکی خوشم نمیاد.

الف: واقعاً؟ چرا خوشت نمیاد؟

ب: خب، از ارتفاع می ترسم. حتی نمی تونم دوچرخه سوار شم، چه برسه به این که با اسکی از کوه پایین بیام.

(۱) دق دلی خالی کردن، تمدد اعصاب کردن

(۲) سری که درد نمی کند را دستمال نمی بندند.

(۳) به همراه، به علاوه

(۴) چه برسد به

۱۶۸۸- گزینه ۳

الف: سلام، می تونی کمکم کنی این جدولو حل کنم؟ توی این سؤال جدول گیر کردم.

ب: حتماً، چی هستش؟

الف: می گه «یک کلمه چهار حرفی برای یک نوع ماهیه.»

ب: عجب، اجازه بده امتحانش کنم. تن ماهیه؟

(۱) از صفر شروع کردن، به خانه اول برگشتن

(۲) فاش کردن یک خبر، خبر بد دادن

(۳) امتحان کردن

(۴) ورشکسته شدن

۱۶۸۹- گزینه ۱

الف: جلسه ت با مشتری چه طور بود؟

ب: عالی پیش رفت. ما موفق شدیم معامله رو نهایی کنیم و قراردادو امضا کنیم.

الف: تبریک می گم! موفقیت بزرگی بود.

ب: مرسی. واقعاً از نتیجه ش راضی ام.

(۱) نهایی کردن معامله

(۲) پس دادن پول

(۳) چیزی را پیدا کردن

(۴) به فردا موکول کردن، تا فردا راجع به چیزی فکر کردن

۱۶۹۰- گزینه ۴

الف: می خوام آخر این هفته به دیدن والدینم برم. می خوای با من بیای؟

ب: دوست دارم، اما زیاد کار دارم.

الف: مشکلی نیست. شاید دفعه بعد.

ب: آره، حتماً. وقتی رسیدی بهم زنگ بز، و از حالشون منو باخبر کن.

الف: باشه، حتماً.

(۱) اخراج کردن

(۲) به کسی محل نگذاشتن

(۳) به کسی کمک کردن

(۴) به کسی زنگ زدن



۱۸۸۲- گزینه ۴ در جمله موصولی نیاز به ضمیر موصولی و فعل داریم.

۱۸۸۳- گزینه ۱

- ۱) منجر شدن
- ۲) کوچک شدن، آب رفتن
- ۳) تحریک کردن
- ۴) رنجیدن از

۱۸۸۴- گزینه ۲

- ۱) شرایط، وضعیت
- ۲) پدیده
- ۳) وسیله رفاه
- ۴) نسبت، تناسب

۱۸۸۵- گزینه ۴ اول این که فعل جمله مجهول است. ثانیاً با توجه به معنی از then استفاده می کنیم.

۱۸۸۶- گزینه ۱ با توجه به معنی از حرف ربط همپایه ساز and استفاده می کنیم که بعد از آن finally آورده ایم.

۱۸۸۷- گزینه ۱

- ۱) زیاد، قابل توجه
- ۲) جنایی، کیفری
- ۳) خفیف
- ۴) زیست محیطی

۱۸۸۸- گزینه ۳

- ۱) منصفانه؛ تقریباً زیاد
- ۲) به طور تحت اللفظی
- ۳) به شدت
- ۴) به طور تصادفی

۱۸۸۹- گزینه ۲

- ۱) همسایه
- ۲) ساکن
- ۳) بزرگسال
- ۴) نوزاد

۱۸۹۰- گزینه ۱ به این الگو که در بحث روابط افعال آمده است دقت کنید:

مصدر با to + صفت + be + it

۱۸۹۱- گزینه ۴

- ۱) با دقت زیاد
- ۲) به طور دنیوی؛ به شکلی روزمره
- ۳) ایزاری، به طور سودمند
- ۴) نسبتاً

۱۸۹۲- گزینه ۲ quake-prone به معنی «زلزله خیز» است.

۱۸۹۳- گزینه ۳ sleeping people به معنی «افراد خواب» است.

۱۸۹۴- گزینه ۳ اصل جمله این بوده که کوتاه شده است: which destroyed ...

۱۸۹۵- گزینه ۳

- ۱) نادر، کمیاب
- ۲) منحصر به فرد
- ۳) شایع، متداول
- ۴) مافوق طبیعی

۱۸۹۶- گزینه ۲ به خاطر فعل غیراسنادی take place باید از قید حالت استفاده کنیم نه صفت؛ بنابراین گزینه های (۱) و (۴) خود به خود غلط هستند. گزینه (۳) هم به معنی نمی خورد.

doze 3

امروزه کار کودکان یک نگرانی در سطح جهانی به حساب می آید، چرا که بسیاری از کشورها، چه توسعه یافته چه توسعه نیافته، چه اروپایی چه آفریقایی، چه ثروتمند چه فقیر، شاهد داستان غم انگیز و بی پایان کودکان

کاری هستند که در شرایط خطرناک کار می کنند و از مریضی های مختلفی رنج می برند تا فقط به اندازه زنده ماندنشان، پول در بیاورند. گرچه کار کودکان معمولاً توجهات را در گذشته به برخی کشورهای فقیر در آفریقا و آسیا جلب می کرد، گزارش جدیدی از سوی سازمان ملل نشان می دهد که هزاران کودک در ایتالیا در صنعت چرم سازی و دختران بسیار کم سن و سال در پرتغال در بخش خدمات خانگی و صنعت پوشاک مشغول به کار هستند. بیش از سی درصد این کودکان به شکل غیرقانونی به کار گرفته شده اند و اکثر آن ها در موقعیت های خطرناک و شرایط غیرانسانی کار می کنند.

یکی از روش های قانونی برای جلوگیری از کار کودکان تصویب قوانین مرتبط است که اشتغال غیرقانونی افراد زیر سن غیرقانونی را یا ممنوع می کند و یا تحت کنترل درمی آورد. این روش قانونی، که در بسیاری از کشورها «قانون کار اجباری کودکان» نام دارد، در مورد اشتغال به کار کودکان زیر ۱۴ سال صدق می کند. اما متأسفانه بیشتر صنایع و بنگاه های اقتصادی از طریق اظهارنامه اولیا یا شهادت نامه های کاذب، سن کودکان کار را بالتر از سن واقعی شان اعلام می کنند. این مسئله به آن دلیل است که پدر، مادر یا ولی آن ها نمی خواهند کودکان تحت سرپرستی آن ها از کارشان کنار گذاشته شوند، که عمدتاً به دلیل فقر، درآمد محدود و هزینه های فزاینده زندگی شان است.

دولت ها این دیدگاه را دارند که معضل کار کودکان را نمی توان یک شبه برطرف کرد بلکه باید به شکل مرحله ای انجام شود. بدین منظور، دولت ها در حال تصویب قوانین جدیدی هستند و حتی قانون اساسی را اصلاح می کنند تا این که بچه های گروه سنی ۶ تا ۱۴ سال از حق بنیادین تحصیلات پایه برخوردار شوند. یکی از عوامل اصلی که دولت ها را ترغیب می کند با کار کودکان مقابله کنند این واقعیت است که در مقیاس وسیع تر، ممکن است کار کودکان به ناآرامی های اجتماعی دامن بزند و امنیت ملی و حاکمیت دولت ها را تحت الشعاع قرار دهد. این تهدیدات هشدارهای جدی هستند که دولت ها را ترغیب می کنند برای ریشه کن کردن کار کودکان بیشتر تلاش کنند. تلاش ها برای ریشه کن کردن کار کودکان ضروری بوده اما در برخی موارد کاملاً نامیدکننده هستند. در واقع، بدبختی های بی حد و مرز کودکان کار بایستی برای رهبران جهانی اراده ای قوی ایجاد کند تا با این فلاکت کودکان معصوم مبارزه کنند.

۱۸۹۷- گزینه ۴ از لحاظ معنایی و وجود or به whether نیاز داریم.

۱۸۹۸- گزینه ۲ از زمان حال کامل استمراری برای بیان عملی استفاده می کنیم که در گذشته شروع شده و تا زمان حال به صورت استمرار انجام می شده و حتی ممکن است در آینده هم ادامه یابد.

۱۸۹۹- گزینه ۳ با توجه به حرف ربط همپایه ساز که قبل از آن اسم مصدر (working) آمده است، از گزینه (۳) استفاده می کنیم.

۱۹۰۰- گزینه ۳ در وجه وصفی، اسم مصدر می تواند بعد از while هم به کار رود.



۲۲۰۰ - **گزینه ۴** جمله زیر در کجای متن مناسب است؟

در نتیجه این ارتباطات می‌تواند به اندازه کافی داده‌های اجتماعی مورد نیاز نوزادان را در اختیار آن‌ها قرار بدهد؛ داده‌هایی که نوزادان برای کسب مهارت‌های اجتماعی و عاطفی‌شان به آن‌ها نیاز دارند، مثل دنبال کردن نگاه.

(۱) پایان پاراگراف ۱ (۲) پایان پاراگراف ۲

(۳) پایان پاراگراف ۳ (۴) پایان پاراگراف ۵

جای‌گذاری در پاراگراف آخر کلمه interactions آمده است که به معنی «تعامل، ارتباط» است؛ بنابراین جمله، مناسب آخر پاراگراف ۵ است.

Reading 13

هر عاملی در اکوسیستم (بوم‌سازگان) به طور مستقیم یا غیرمستقیم، معمولاً بستگی به یک عامل دیگر دارد. برای مثال، یک تغییر در دمای اکوسیستم بر این که چه گیاهانی در آن جا رشد می‌کنند تأثیر خواهد گذاشت. جانورانی که برای غذا و سرپناه به گیاهان وابسته هستند مجبور خواهند بود با تغییرات سازگار شوند، به اکوسیستم دیگری نقل مکان کنند یا بمیرند.

اکوسیستم‌ها می‌توانند بسیار بزرگ یا بسیار کوچک باشند. حوضچه‌هایی که با جزر و مد ایجاد می‌شوند، یعنی همان دریاچه‌هایی که هنگام رفتن جزر و مد به جای گذاشته می‌شوند، اکوسیستم‌های کامل و کوچکی هستند. حوضچه‌هایی که با جزر و مد ایجاد می‌شوند دارای جلبک دریایی، نوعی خزه، هستند که برای تولید غذا از فتوسنتز استفاده می‌کنند. گیاه‌خوارانی مانند صدف آبالون از این جلبک‌های دریایی تغذیه می‌کنند. گوشت‌خوارانی مانند ستاره‌های دریایی از جانوران دیگر در حوضچه‌های جذر و مدی؛ نظیر صدف خوراکی یا صدف سیاه دوکفه‌ای تغذیه می‌کنند. حوضچه‌های جزر و مدی به تغییر سطح آب اقیانوس وابسته هستند. بعضی از موجودات زنده مانند جلبک دریایی در یک محیط آبی رشد می‌کنند، زمانی که جزر و مد بالا و حوضچه پر باشد. موجودات زنده دیگر مانند خرچنگ نرم‌شکم نمی‌توانند در زیر آب زنده بمانند و به حوضچه‌های کم‌عمقی که با جزرها به جا می‌ماند وابسته هستند. به این ترتیب، بخش‌های زیستی اکوسیستم به عوامل غیرزیستی وابسته هستند. تمام سطح زمین یک رشته اکوسیستم به‌هم‌مرتبط است. اکوسیستم‌ها اغلب در یک زیست‌بوم بزرگ‌تر به هم متصل هستند. زیست‌بوم‌ها بخش‌های بزرگی از خشکی، دریا یا جو هستند. برای مثال، همه جنگل‌ها، حوضچه‌ها، صخره‌های دریایی و توندراها از انواع زیست‌بوم‌ها هستند. آن‌ها عموماً براساس انواع گیاهان و جانورانی که در آن‌ها زندگی می‌کنند سازمان‌دهی می‌شوند. در هر جنگل، حوضچه، صخره دریایی یا هر بخش از توندرا، شما اکوسیستم‌های مختلف و بسیاری را خواهید یافت.

۲۲۰۱ - **گزینه ۱** همه موارد زیر در متن ذکر شده است، به جز این که

(۱) زیستگاه‌های طبیعی و اکوسیستم‌های آن‌ها بیشتر و بیشتر در معرض انقراض هستند

(۲) برای ساختن یک اکوسیستم متعادل، همه بخش‌ها با هم کار می‌کنند

(۳) اکوسیستم‌ها شامل عوامل زیستی و بی‌جان هستند

(۴) اکوسیستم‌ها اندازه‌های گوناگونی دارند

جزئی رد پای همه گزینه‌ها به وضوح در متن هست، به جز گزینه (۱).

دفعات و سرعت، نگاه شخص را دنبال می‌کردند. اگرچه همه‌گیری به این معنا بود که کودکان روی هم‌رفته افراد کم‌تری را می‌دیدند و با افراد بیشتری که ماسک زده بودند تعامل داشتند، اما به نظر نمی‌رسد که آن‌ها رشد متفاوتی نسبت به آن کودکانی داشته باشند که هیچ تغییر مرتبط با همه‌گیری را تجربه نکردند.

ورملینگر نویسنده می‌گوید: «ما معتقدیم که تعاملات اجتماعی ثابت با والدین و پرستاران کودک در خانه برای کاهش دادن تأثیری که همه‌گیری کووید ۱۹ می‌توانسته بر نوزادان بگذارد، کافی بوده است.»

۲۱۹۶ - **گزینه ۳** کدام یک از نتیجه‌های زیر را از متن می‌توان گرفت؟

(۱) دنبال کردن حرکات چشم نوزاد کار بسیار سختی است.

(۲) همه‌گیری کووید ۱۹ تأثیر عمیقی بر زندگی اجتماعی را داشته است.

(۳) رشد اجتماعی نوزادان تحت تأثیر همه‌گیری کووید ۱۹ قرار نگرفته است.

(۴) هیچ تحقیقی درباره سلامت عمومی نوزادانی که تحت تأثیر همه‌گیری کووید ۱۹ بودند، وجود نداشته است.

استنباطی جواب این سؤال در پاراگراف ۴ است. در همان خط اول گفته تفاوت رفتاری معناداری وجود نداشته است.

۲۱۹۷ - **گزینه ۴** کدام یک از جملات زیر به بهترین نحو ایده اصلی پاراگراف دوم را نشان می‌دهد؟

(۱) پژوهشگران در دانشگاه زوریخ تحقیق ارزشمندی انجام داده‌اند.

(۲) پژوهشگران در دانشگاه زوریخ کودکان مبتلا به اوتیسم را مورد مطالعه قرار دادند.

(۳) به والدین توصیه می‌شود مراقب توانایی کودکانشان برای دنبال کردن نگاه شخص دیگر باشند.

(۴) دنبال کردن نگاه در نوزادان یک توانایی اساسی برای رشد اجتماعی و زبانی است.

عنوان‌متن وقتی ایده اصلی یک پاراگراف را خواستند، چون پاراگراف کوتاه‌تر از کل متن است سریع آن را بخوانید و با رد گزینه پاسخ را پیدا کنید. گاهی هم جواب خیلی تابلو است.

۲۱۹۸ - **گزینه ۴** واژه "hamper" در پاراگراف ۲ از لحاظ معنایی به شبیه است.

(۱) تقویت کردن (۲) ترمیم کردن، تعمیر کردن

(۳) اصلاح کردن (۴) مانع شدن از

معنی‌واژه کافی است تک‌تک گزینه‌ها را به جای کلمه داخل متن بگذارید: «اگر این توانایی ضعیف باشد، می‌تواند مانع توانایی شخص در تعامل با اجتماع شود، درست مانند افرادی که به بیماری اوتیسم مبتلا هستند. (تقویت کند - ترمیم کند - اصلاح کند - مانع شود)»

۲۱۹۹ - **گزینه ۲** واژه "they" در پاراگراف ۳ به اشاره دارد.

(۱) حرکات چشم (۲) محققین

(۳) ویدیوهای مختلف (۴) نوزادان

ارجاعی کافی است جمله قبل و بعد را بخوانید یا این که تک‌تک گزینه‌ها را جای they بگذارید و جمله را با آن گزینه معنی کنید.



۲۲۰۲- **گزینه ۲** متن نشان می‌دهد که

مسیر اصلی خارج شود؛ او بر آن غلبه کرد، و زمانی که شهرت او به عنوان یک دانشمند بزرگ تثبیت شده بود، فروید و دستیارانش درصدد بودند او را به عنوان یک انسان عاقل با اعتمادبه‌نفس جاودان به تصویر بکشند. اما نامه‌های اولیه او چیزی غیر از این را نشان می‌داد.

نه، اضطراب به تنهایی از شما یک شاعر برنده جایزه نوبل یا یک دانشمند مبتکر نمی‌سازد. اما اگر طبیعت مضطرب خودتان را درست تحت کنترل درآورید، ممکن است باعث شود شما در کارتان موفق‌تر شوید. جروم کیگن می‌گوید او فقط افرادی را که خوی واکنش‌پذیری بالایی دارند را به عنوان دستیار تحقیق استخدام می‌کند. او به مجله نیویورک تایمز گفت که، «آن‌ها وسواسی هستند، آن‌ها مرتکب خطا نمی‌شوند». تحقیق دیگری این مشاهده کیگن را تأیید می‌کند. برای مثال یک تحقیق در سال ۲۰۱۳ در آکادمی ژورنال مدیریت دریافت که آدم‌های عصبی نقش بیشتری در پروژه‌های گروهی نسبت به چیزی که همکارانشان پیش‌بینی می‌کنند دارند، در حالی که افراد برون‌گرا کمک کم‌تری می‌کنند. و در سال ۲۰۰۵، پژوهشگران در کشور انگلستان مقاله‌ای را تحت عنوان «آیا نگران‌ها می‌توانند برنده شوند؟» منتشر کردند که در آن معتقد بودند مدیران مالی که اضطراب بالایی دارند اگر از هوش بالایی هم برخوردار باشند، معمولاً بهترین و کارآمدترین مدیران مالی بودند. متأسفانه، زمانی که افراد مضطرب ضریب هوشی پایینی داشتند، همبستگی مثبت بین اضطراب و عملکرد شغلی از بین می‌رفت. اما بعضی از شواهد نشان می‌دهد که خود اضطراب مفرط با هوش مرتبط است.

(۱) تنوع زیستی بر عملکرد اکوسیستم تأثیر می‌گذارد
(۲) جانوران و گیاهانی که در اکوسیستم حوضچه‌های جزر و مدی زندگی می‌کنند، سازگاری‌های منحصربه‌فردی دارند که آن‌ها را قادر می‌سازد زنده بمانند

(۳) اقلیم خشک و آب‌وهوای گرم، ویژگی زیست‌بوم است
(۴) انرژی و کربن از طریق فتوسنتز وارد اکوسیستم می‌شوند
استنباطی اثری از گزینه‌های (۱)، (۳) و (۴) در متن نیست، اما در جملات آخر پاراگراف ۲ (... some organisms, such as seaweed) می‌توان به سازگار بودن موجودات در حوضچه‌های جزر و مدی پی برد.

۲۲۰۳- **گزینه ۴** واژه "aquatic" در پاراگراف ۲ از لحاظ معنایی به نزدیک است.

۲۲۰۶- **گزینه ۲** متن بیشتر در مورد چه چیزی بحث می‌کند؟
(۱) رابطه منفی بین اضطراب و هوش
(۲) رابطه بین اضطراب و موفقیت بالا
(۳) چرا برندگان جایزه نوبل از اضطراب رنج می‌برند
(۴) زندگی دانشمندان مضطرب یا افسرده
عنوان‌متن با خواندن جمله اول پاراگراف ۱ و ۲ به علاوه آخرین جمله متن به راحتی به گزینه (۲) می‌رسید.

(۱) زیست‌بوم خشکی
(۲) سرزمین بکر
(۳) آب آلوده
(۴) زیست‌بوم آبی
معنی‌واژه با توجه به کلمه قبلیش (seaweed) می‌توان معنی aquatic را حدس زد.

۲۲۰۴- **گزینه ۳** براساس متن، "abalone" مثالی از یک است.

(۱) گوشت‌خوار
(۲) زیست‌بوم منقرض‌شده
(۳) گیاه‌خوار
(۴) حشره کوچک
استنباطی یا جزئی در خط سوم پاراگراف ۲، به این اشاره کرده که abalone جلبک دریایی می‌خورد؛ بنابراین گیاه‌خوار است. هم‌چنین واژه herbivore که پیش از آن آمده، به همین معناست.

۲۲۰۵- **گزینه ۱** از متن می‌توان فهمید که

(۱) اکوسیستم‌ها تنوع گونه‌های زیادی دارند
(۲) همیشه رابطه مستقیمی بین عوامل یک اکوسیستم وجود دارد
(۳) بخش‌هایی از اکوسیستم در برابر تغییرات دمایی بسیار مقاوم هستند
(۴) برخی از اکوسیستم‌ها معمولاً به طور کامل از سایر اکوسیستم‌ها مستقل هستند
استنباطی در پاراگراف آخر، به انواع اکوسیستم‌ها اشاره شده است.

۲۲۰۷- **گزینه ۱** براساس متن، کدام یک از افراد زیر در کمبریج زندگی می‌کرد؟
(۱) نیوتن
(۲) داروین
(۳) کیگن
(۴) فروید
جزئی در خط ۴ پاراگراف اول، به اتاق نیوتن در کمبریج اشاره مستقیم کرده است.

۲۲۰۸- **گزینه ۱** کدام یک از موارد زیر درباره فروید در متن صحیح است؟
(۱) فروید قبل از این‌که دانشمند معروفی شود، با اضطراب و عدم اعتمادبه‌نفس دست و پنجه نرم می‌کرد.
(۲) اضطراب و عدم اعتمادبه‌نفس همیشگی فروید به او کمک کرد تا به عنوان یک دانشمند شهرت کسب کند.
(۳) فروید خودش را در نامه‌های اولیه‌اش به عنوان یک مرد همیشه با اعتمادبه‌نفس به تصویر کشید.
(۴) نامه‌های اولیه فروید در واقع توسط مریدانش نوشته شدند.

Reading 14

بسیاری از دانشمندان برجسته تاریخ از اضطراب یا افسردگی یا هر دوی آن‌ها رنج می‌بردند. زمانی که نیوتن حسابان را ابداع کرد، کارش را به مدت ۲۰ سال به صورت عمومی منتشر نکرد، چون طبق گمان بعضی‌ها، آن قدر مضطرب و افسرده بود که نمی‌توانست به کسی بگوید. به مدت بیش از پنج سال بعد از یک فروپاشی عصبی که در حدود سال ۱۶۷۸ داشت، زمانی که او در میانه دهه ۳۰ زندگی‌اش بود، به ندرت جرأت می‌کرد از اتاقش در کمبریج بیرون بیاید. شاید اگر داروین برای دهه‌ها به صورت متوالی تا حد زیادی به خاطر اضطرابش خانه‌نشین نبود، نمی‌توانست کارش را درباره تکامل به اتمام برساند. مسیر کاری زیگموند فروید به دلیل اضطراب و شک و تردید بسیار زیادش نزدیک بود اول از

